

« بسمه تعالی »

برای اولین بار در تاریخ چهلصد ساله رامیان

مجموعه شعر نو و سپید

فریاد نسل فاطمه (س)

از حنجره یک جوان رامیانی

اثر: رضا بای (کورشی)

بای ، رضا

فریاد نسل فاطمه / نویسنده رضا بای -

گروگان : عشق دانش ، ۱۳۸۳ .

۶۵ ص.

ISBN 964-8602-40-9

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا .

فهرست نویسی براساس جلد اول . ۱۳۸۳

۱ - فریاد نسل فاطمه

۸۵۹۶-۱۱/۳-۵

RC ۵۵۰/۶ف

۳۷۱/۷۱

کتابخانه ملی ایران

عنوان : فریاد نسل فاطمه

نویسنده : رضا بای

نوبت چاپ : اول

ناشر : عشق دانش

تیراژ : ۲۰۰۰ جلد

شماره شابک : ۹-۴۰-۸۶۰۲-۹۶۴

صفحات : ۶۵

چاپخانه : افست مکی

فهرست

۵	دیباچه
۶	عشق من، خاک پاک ایران
۷	گاه پنهانی
۷	نامردی
۸	روشن تیره
۹	تفسیرهای ذهن
۱۰	بی تو
۱۱	نی
۱۲	تربت مقدس
۱۳	بربادرفته
۱۴	رؤیای رؤیا
۱۵	بحث
۱۶	حیثیت
۱۷	گام بر نعش
۱۸	عمر
۱۹	خدایی تازه تر
۲۱	شتاب ظهور
۲۲	تلنگر سپیده
۲۳	سقوط
۲۴	چندی مهلت
۲۵	کفران
۲۶	وصال
۲۷	ایمان
۲۹	فریاد نسل فاطمه «س»
۳۰	مؤمنان و کافران
۳۲	رویای سخاوت
۳۲	گاه تحریم

۳۳	شبه عجیب
۳۳	اندکی صبر
۳۵	گاهدان بی گاه
۳۷	امید
۳۸	پرسش
۳۹	خواب و آفتاب
۴۰	تصحیح
۴۱	فرار از محدودیت
۴۲	بیدار به خواب
۴۳	عشق ناتنی
۴۴	دوراهی
۴۵	اندوه
۴۶	رادمردی
۴۷	لبخند معرفت
۴۸	اندر حکمت خدای
۵۰	قشع
۵۲	اولین عشق
۵۴	صید سیاه
۵۶	تسلیم بی جا
۵۸	اشک من
۵۹	رفتن من
۶۰	برای
۶۱	ایثار
۶۱	مجال
۶۲	اندر حکمت‌های سکوت
۶۳	سلسله مراتب زمان
۶۵	زایش وارونه

به نام خدا

به جای دیباچه:

«بزرگترین سرمایه‌ام، نسوزاندن سبزه‌ای است»!

«رضا بای» (کوروش)

با سلام

...

مرا، اگر در سکوت

واگماشته‌ای

ملالی نیست هیچ،

که دارم به دل

خدای دیگری !!

اینجانب رضا بای فرزند حسن متولد بیستم شهریورماه ۱۳۵۵ در
شهرستان رامیان از توابع استان گلستان می‌باشم که آخرین مقام حقیر،
گرفتن دیپلم افتخار و لوح تقدیر در اولین جشنواره علوم قرآنی
شهرستان رامیان و کسب رتبه اول در زمینه شعر می‌باشد.

«عشق من، خاک پاک ایران»

تندیس من نیست، سرزمینم

همانا واقعیت دلم، به عشق راستین تو می تپد

در این گفتار بازار روزگار پرنیش، که به فرمان افعی شیطان نام

معنویت را، در تدارک فروپاشی اند

ای سبب افتخار، خون رگ هایم به عشق خاک پاک تو جاری اند!

حال که استعمار، آشکارا در حال کشتار هم کیشان ماست

احساس می کنم چیزی فراتر از وجدان مرا به بالاتر می خواند،

جایی به وصف،

بلندترین شاخه رهبر باوقار آزاده ترین جنگل «سروستان» می کشد.

ایران من! چنانچه شمشیر نبردم در انی عمر کوتاه

خونِ نجس زاده ای نحس مکتب، نریخت

مبادا زانوی غم

پس ای غرور آفرین، میهن پاکم

بشنو فریاد احساسم

: «ای ناقوس خوش آهنگِ کلیسای محبت»

هزاران هزار، دوست دارم!